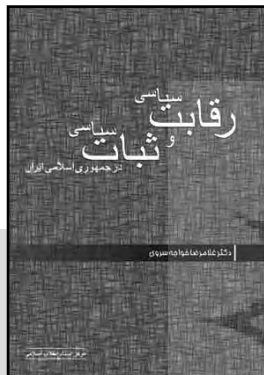


رقابت و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران



عنوان: رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: دکتر غلامرضا خواجه سروی

تهران؛ ۱۳۸۲

ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

ایمان حسین قزل‌ایاق

کتاب رقابت و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، نوشته‌ی دکتر غلامرضا خواجه‌سروی در تابستان ۱۳۸۲، با تیراژ ۲۵۰۰ جلد، به قیمت ۳۲۰۰ تومان توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده که در واقع از معدود کتاب‌هایی است که با رویکرد جامعه‌شناختی به پدیده‌ی رقابت و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. مجموعاً در این کتاب تلاش شده تا با اشاره به تحولات سیاسی معاصر ایران، خصوصاً در دوره‌ی جمهوری اسلامی ایران، به این سؤال پاسخ داده شود که چه زمانی در جمهوری اسلامی ایران رقابت سیاسی به ثبات سیاسی منجر می‌شود. از این رو فرضیه‌ی اصلی چنین بیان می‌شود که زمانی در ایران رقابت سیاسی به ثبات سیاسی منجر خواهد شد که اجماع نخبگان بر اصول موضوعه حاصل شود و ساز و کار اجرایی مناسب رقابت سیاسی طراحی شود. روش بررسی فرضیه به این گونه بوده که نویسنده به مطالعه‌ی تعامل رقابت سیاسی با ثبات سیاسی در مقاطع مختلف تاریخ ایران و نشان دادن وضعیت اجماع پرداخته است.

کتاب مجموعاً شامل هشت فصل است که در قالب دو بخش پی‌ریزی شده است. در فصل اول نویسنده تلاش دارد تا طرح پژوهشی کتاب را تبیین کرده و به این ترتیب به طرح مسئله، تعریف مفاهیم، فرضیه‌های اصلی و فرعی و دیگر موارد مربوط به طرح پژوهشی بپردازد. در فصل دوم مفاهیم اصلی به کار رفته در کتاب، یعنی مفاهیم رقابت و ثبات سیاسی به منظور دستیابی به چارچوب نظری مطلوب، به صورت مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرند و به تعاریف مختلف و نظریه‌های متعددی در مورد این دو مفهوم اشاره می‌شود. در فصل سوم نویسنده تلاش می‌کند با بهره‌گیری از مباحث نظری فصل دوم، با ارائه‌ی الگویی نظری، میان دو مفهوم ثبات و رقابت سیاسی تعامل ایجاد کند و با استفاده از این الگو، به تحلیل وقایع بپردازد. در فصل چهارم نیز نویسنده در واقع قصد دارد ذهن خواننده را به منظور درک بهتر تحولات دوره‌ی جمهوری اسلامی آماده کند و از این روی اشاره‌ای به روند تحولات سیاسی دوره مشروطه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دارد و پیشینه‌ای تاریخی از وضعیت رقابت سیاسی و

ثبات سیاسی در این مقطع را ارائه می‌کند.

اما بخش دوم کتاب که در واقع مروری بر تحولات سیاسی دوره جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان دولت اول سیدمحمد خاتمی، به انضمام نتیجه‌گیری نهایی کتاب را شامل می‌شود، در چهار فصل ارائه شده است. در فصل پنجم که وضعیت رقابت و ثبات سیاسی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴ را دربر می‌گیرد، نویسنده معتقد است طی این سال‌ها رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی دارای برتری کمی بوده است و بر همین اساس مسابقه نیروهای سیاسی برای تصاحب و حفظ قدرت سیاسی موجب چالش‌های خشونت‌آمیز، تغییرات در کابینه‌ها، به همراه چالش‌های مسالمت‌آمیز شده است. فصل ششم وضعیت رقابت سیاسی و ثبات سیاسی طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۶ را مورد بررسی قرار می‌دهد و در مجموع معتقد است در این سال‌ها رقابت و ثبات سیاسی در وضعیت کنترل‌شده، قرار داشته‌اند. در این دوره از دیدگاه نویسنده پس از به حاشیه رانده شدن گروه‌ها و نیروهای غیرمذهبی و ضدانقلاب و وجود شرایط جنگی در کشور و پس از آن آغاز دوره سازندگی در کشور، وضعیت ثبات سیاسی در مقایسه با رقابت سیاسی، وضعیت عادی‌تری را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که اصطلاحاً نوعی مقارنه میان ثبات سیاسی و رقابت سیاسی ایجاد می‌شود. نویسنده در فصل هفتم با بررسی مقطع ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ به آنچه که بازخورد بی‌قاعدگی‌ها در این مقطع می‌نامد، معتقد است. با این وجود نویسنده بر این باور است این دوره در مقایسه با دوره قبل از خود، با وجودی که بی‌ثبات‌تر بوده، اما این بی‌ثباتی از نوع وخیم نبوده است و بیشتر از همه حالت گفتاری داشته تا خشونت فیزیکی. بر اساس دیدگاه مؤلف، در مقطع فوق، ساز و کار رقابت در عین گسترش نهادهای رقابت به جای ارتقا از حالت جناحی به شکلی سازمان یافته‌تر، به جبهه‌ای شدن تنزل یافته است. در نهایت در فصل هشتم، نتیجه‌گیری نهایی از مباحث ارائه شده است. نویسنده در این فصل شرط اساسی شکل‌گیری «ثبات سیاسی پویا» را در گرو «راهبرد کنترل» می‌داند. بر این اساس راهبرد کنترل وقتی عملی می‌شود که نظام سیاسی دو بخش ثابت و متغیر داشته باشد. بخش ثابت شامل نهاد رهبری و ارگان‌های زیر مجموعه آن که قاعدتاً باید بی‌طرف و جهت حرکت آن همواره منافع ملی باشد و رقابت سیاسی را در این جهت هدایت نماید و بخش متغیر نیز شامل شکل‌گیری نظام دو حزبی و قوای انتخابی کشور است که عملیات سیاسی را با هدایت بخش ثابت انجام می‌دهد.

ویژگی‌های مطلوب این کتاب عبارتند از این‌که:

• عنوان کتاب متناسب و گویای محتوای آن است و خواننده با مشاهده عنوان، می‌تواند شمایی کلی از موضوع کتاب را حدس بزند.

• فصل‌بندی‌های موجود دارای نظم محتوایی و ترتیب موضوعی هستند.

• موضوع انتخاب شده چه به لحاظ نظری و خصوصاً به لحاظ مقطع مورد بررسی، در زمان انتشار کتاب، نسبتاً جدید بوده است. تا قبل از انتشار کتاب فوق، مباحث مطرح شده در خصوص مفهوم و نظریه‌های مربوط به رقابت سیاسی در معدود کتب دانشگاهی علوم سیاسی و آن هم به صورت گذرا و مختصر وجود داشت. با این حال کتاب «درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی» نوشته دکتر اصغر افتخاری و همچنین انتشار مجموعه کتاب‌هایی با عنوان «همایش رقابت سیاسی و امنیت ملی» توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری از جمله دیگر آثار منتشر شده با موضوعیت رقابت سیاسی بودند. با این وجود رویکرد کتاب حاضر با مباحثی که در دو اثر فوق اشاره شد، دارای تفاوت‌هایی به لحاظ نوع نگاه به موضوع هستند. مقطع مورد بررسی در این کتاب نیز در زمان انتشار، نسبتاً جدید بوده و کار مشابه جدی دیگری انجام نگرفته بود.

• نوع نگاه نویسنده به رابطه رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، نگاهی توسعه‌ای و در پیوند با مفهوم تغییر قرار دارد. به گونه‌ای که می‌توان گفت در این اثر تلاش شده تا بین دوگانه‌های نظم بهگشت، امنیت توسعه و ثبات نظم، رابطه‌ای تکمیلی و معنادار برقرار شود. این نکته در جای جای کتاب در مفهوم «ثبات سیاسی پویا» به عنوان یک الگوی مطلوب، نمود پیدا کرده است.

• در تحلیل‌های تاریخی می‌توان گفت مؤلف تا حد قابل قبولی از قضاوت‌های غیرعلمی در مورد مسائل مختلف پرهیز کرده و به ندرت وارد موضع‌گیری شده است.

• در مجموع با توجه به مسائل اشاره شده مطالعه این کتاب چه به لحاظ تکمیل مطالعات متخصصین و پژوهشگران علوم سیاسی و علوم اجتماعی در خصوص مباحثی چون رقابت و ثبات سیاسی و همچنین آگاهی کلی و اجمالی از تحولات سیاسی دوره جمهوری اسلامی ایران، قابل توصیه خواهد بود.

نقد محتوایی:

با وجود محاسن قابل توجهی که در مورد کتاب حاضر، اشاره شد مواردی نیز از باب غنای هر چه بهتر اثر فوق قابل تذکر هستند:

الف) مغفول ماندن بحث اجماع در متن کتاب:

• در تحلیل آنچه که از فرضیه اصلی کتاب برمی‌آید، به نظر می‌رسد نویسنده در مجموع مسأله اجماع نخبگان را به عنوان متغیر واسطه میان رقابت سیاسی و ثبات سیاسی فرض کرده است. اما با

این وجود چه در مباحث نظری فصل دوم و چه در تحلیل‌های ارائه شده در بخش دوم از این متغیر استفاده چندانی نشده است و فرایند، مکانیزم و نحوه رسیدن به اجماع و تبیین موردی آن در ایران چندان مورد بررسی قرار نگرفته است.

ب) برخی ابهام‌ها در کاربرد اصطلاحات و نظریه‌ها:

• در صفحات ۱۷، ۱۸ و ۲۸۰ عبارتی بدین مضمون: «جمهوری اسلامی ایران متولی رقابت سیاسی است» ذکر شده که از آنجا که یک نظام سیاسی یا برآمده از رقابت و یا بستر ساز رقابت است، این عبارت می‌تواند بدین گونه: «جمهوری اسلامی ایران بستر ساز رقابت سیاسی است» اصلاح شود.

• در صفحه ۶۳ عبارت: «به این ترتیب نخبگان و فرهنگ ناشی از آن‌ها آغازگر نهادمندی سیاسی و تشکیل فرهنگ رقابتی است و می‌تواند طوری فرهنگ رقابتی خود را شکل دهد که با فرهنگ سیاسی توده، تقارب و تقارن بیشتری داشته باشد» به لحاظ نظری دارای ابهام است. در این عبارت مشخص نیست که فرهنگ رقابتی نخبگان، چطور و چگونه می‌تواند با فرهنگ سیاسی توده تقارب و تقارن داشته باشد. البته تحلیل مشابهی نیز در پاراگراف اول صفحه بعد نیز مجدداً تکرار شده که بهتر است این عبارات، به لحاظ نظری، شفاف‌سازی شوند.

• در صفحات ۵۷، ۱۱۷ و ۱۲۱ مقایسه‌ای میان بازی حاصلجمع جبری مثبت به عنوان یک بازی دو نفره با بازی فوتبال صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد ابهامات موجود در این مقایسه زمانی روشن‌تر می‌شود که مفهوم «داور» به عنوان جزئی از نظریه بازی‌ها به حساب می‌آید. زیرا در «نظریه بازی‌ها» مفهومی تحت عنوان داور وجود ندارد و به نظر می‌رسد برای رفع این ابهام لازم است با ساختن یک الگوی تحلیلی، این نقیصه را جبران کرد. در مجموع مقایسه نظریه بازی‌ها با بازی فوتبال، صحیح نمی‌باشد، زیرا در نهایت در نظریه بازی‌ها بهترین انتخاب برای طرفین رسیده به حالت «کم‌بیشینه» خواهد بود، در حالی که چنین حالتی در بازی فوتبال قابل تصور نیست.

• در جدول ذکر شده در صفحه ۱۳۹ که عیناً در صفحه ۴۳۵ نیز تکرار شده، مؤلفه چهارم مندرج در مستطیل‌های میانی، یعنی «چالش‌های مسالمت‌آمیز» به لحاظ نظری، در جدول کاربردی ندارد و نظم علی‌الگوی ارائه شده را مخدوش می‌کند. زیرا این مؤلفه بر خلاف سه مؤلفه قبلی که دارای خصوصیت ایجابی هستند، دارای خصوصیت سلبی است و کنار هم قرار گرفتن آنها به لحاظ نظری، نتیجه جدول را با ابهام مواجه می‌سازد. زیرا اگر فرضاً در یک

جامعه، رقابت سیاسی با عدم اجماع و عدم وجود سازوکار مناسب همراه باشد، بر اساس الگوی موجود در جدول، به ترتیب پدیده‌هایی چون تغییر رژیم، تغییر حکومت، چالش‌های خشونت‌آمیز و چالش‌های مسالمت‌آمیز، باعث بی‌ثباتی سیاسی می‌شوند. در حالیکه این مسأله درباره گزینه چهارم با قطعیت، قابل بیان نیست. این نقص در عکس این قضیه هم صادق است. یعنی فرضاً اگر رقابت سیاسی همراه با اجماع و وجود سازوکار مناسب، باشد، نتیجه چنین حالتی بر اساس این جدول، تثبیت رژیم، تثبیت حکومت و چالش‌های مسالمت‌آمیز و در نتیجه ثبات سیاسی خواهد بود. حال اینکه تکلیف مؤلفه چهارم در این بین و در حالت عکس جدول مورد نظر مشخص نیست. به نظر می‌رسد این جدول با وجود سه گزینه اول در مستطیل‌های میانی کامل باشد و لزومی برای وجود مؤلفه چهارم در جدول به لحاظ نظری وجود ندارد.

• در مجموع یکی از مواردی که در کتاب فوق قابل ذکر می‌باشد، عدم تمایز میان مفهوم رقابت سیاسی (competition) و کشمکش سیاسی (conflict) است. به گونه‌ای که در اغلب اوقات این دو مفهوم، فقط در قالب مفهوم رقابت به کار رفته‌اند که اصطلاح رقابت، نمی‌تواند بار معنایی، کشمکش یا تضاد سیاسی را منتقل کند. البته در صفحه ۱۷۶ این دو مفهوم در قالب دو اصطلاح «رقابت هویتی» به معنای کشمکش و «رقابت غیرهویتی» به معنای رقابت، به کار رفته که با وجود برخی ابهامات در همین دو اصطلاح، اما کاربرد همین دو نیز، در همه تحلیل‌ها عمومیت نداشته‌اند. عدم تمایز میان دو مفهوم رقابت و کشمکش باعث شده بعضی از بخش‌های کتاب که توضیحات و تحلیل‌ها، حامل بار معنایی کشمکش است، از اصطلاح رقابت استفاده شود و این مسأله برخی تحلیل‌ها را با ابهاماتی مواجه کرده است. این نقیصه خصوصاً در تحلیل‌هایی که در صفحات ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۰ و ۱۹۵ ارائه شده، نمود داشته است.

ج) وجود جملات متعددی که به لحاظ معنایی دارای ابهام هستند:

• در پاراگراف اول صفحه ۳۰ تحلیل ارائه شده بسیار کلی و با در نظر گرفتن همه جوانب و احتمالات تأثیرگذار در یک پدیده، به گونه‌ای بیان شده که نهایتاً متمرکز شدن بر یک موضوع و رسیدن به یک نتیجه مشخص را دشوار می‌کند.

• همچنین در پایین همین صفحه عبارت «نمای بیرونی یا ظاهری نظام سیاسی» دارای بار معنایی مشخص و ملموسی نیست و دارای معادل قابل تعمیمی در ادبیات علوم سیاسی نیست.

• در صفحه ۱۴۴، «داور» به عنوان یکی از ارکان یک مسابقه یا بازی ذکر شده، اما به مصداق آن برخلاف دیگر ارکان، اشاره‌ای

واقع ترجمه اشتباهی است که از واژه انگلیسی «participation» به معنای «مشارکت سیاسی» در ترجمه کتاب سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی اثرهانتینگتون از سوی مترجم آن رخ داده است. این اشتباه در ترجمه یکی از مفاهیم اصلی کتاب، بعضاً خواننده آن را در تحلیل نظریه‌های ارائه شده دچار اشتباه می‌کند که این مسأله سهواً در کتاب حاضر نیز انتقال پیدا کرده است.

• در صفحه ۱۴۹، تاریخ تصویب متمم قانون اساسی مشروطه به اشتباه به جای ۱۲۸۶، ۱۲۷۶ آمده است.

• در صفحه ۱۹۷ احتمالاً به دلیل مشکلات تایپی، مدت زمان نخست‌وزیری رزم‌آرا ۲۵۰۰ روز ذکر شده که در واقع این زمان از ۶ تیر تا ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ است که حدود ۲۵۰ روز می‌شود.

• در پایین صفحه ۲۶۷ نقل قولی از دکتر حبیبی اشاره می‌شود که منبع آن مشخص نیست.

• در صفحه ۳۱۷ نقل قول مستقیمی در پایین صفحه ذکر شده و منبع آن نیز کتاب دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی معرفی می‌شود که با مراجعه به صفحه ۸۱ این کتاب، چنین نقل قولی دیده نمی‌شود.

• در صفحه ۳۴۰ در حالی از فضای سیاسی سال ۱۳۶۰ سخن به میان می‌آید و اشاره‌ای نیز به ارسال نامه‌ای به امام و پاسخ ایشان می‌شود که حضرت امام (ره) پیش از آن رحلت کرده بوده‌اند.

• در صفحه ۳۳۵ که نویسنده در حال بیان تحولات سیاسی و سیر رقابت‌های موجود در سال ۱۳۷۴ است، از جمعیت مؤتلفه اسلامی به عنوان حزب یاد می‌کند که در این زمان این جمعیت هنوز رسماً به صورت یک حزب سیاسی در نیامده بود و در فضای سیاسی آن زمان هنوز به جمعیت مؤتلفه اسلامی معروف بود.

• در صفحه ۳۷۵ نیز مورد مشابهی در مورد کارگزاران سازندگی دیده می‌شود و در فضای سیاسی مربوط به سال ۱۳۷۶ از این گروه سیاسی به عنوان حزب کارگزاران سازندگی یاد می‌شود که این گروه نیز در این تاریخ به عنوان یک حزب سیاسی شناخته نمی‌شد و از آن به عنوان جمعی از کارگزاران سازندگی یاد می‌شد.

• در صفحه ۳۸۲ با اشاره به اینکه: «...برنامه‌های اقتصادی دولت‌هاشمی و برنامه‌های سیاسی دولت خاتمی که در دو جهت متفاوت اقتصادی سیر می‌کردند.» در واقع به مسأله‌ای بر خلاف آنچه که عملاً واقع شده بود، اشاره می‌شود. زیرا حداقل اکثریت وزرای اقتصادی دولت خاتمی، همان وزرای اقتصادی کابینه‌هاشمی بودند و سیاست‌های اقتصادی خاتمی نیز تا درصد بالایی ادامه سیاست‌های اقتصادی دولت‌هاشمی با وجود برخی تفاوت‌ها بر اساس شرایط زمان بود.

نشده است؛ که بر اساس آنچه که بعداً در صفحات پایانی یعنی ۳۰۶ و ۳۲۱ اشاره می‌شود، مشخص می‌شود که منظور از داور در اینجا «رهبری نظام» است.

• در صفحه ۱۵۶ اشاره می‌شود که نمایندگان نیروی روشنفکری پس از کسب علوم و فنون جدید و عزیمت به ایران، اقدام به ایجاد چاپخانه، انتشار روزنامه و نظام ارتش جدید نمودند؛ که بهتر بود در این میان، نخبگان حکومتی از روشنفکران متمایز می‌شدند. زیرا از متن اینگونه بر می‌آید که ظاهراً روشنفکران نیز از مؤسسين نظام ارتش جدید بوده‌اند.

• در صفحه ۲۰۱ عبارتی با این مضمون آمده: «... اما این تلاش نیروی ملی، با ائتلافی که بین حزب زحمتکشان و نیروی سلطنت پیش آمد و قتل افشارطوس، رییس شهربانی مصدق، را موجب شد و نیز راه...» اولاً منظور از آوردن این جمله و ارتباط آن با مباحث قبلی و بعدی مشخص نیست. ثانیاً این جمله پایان مشخصی هم ندارد و در میانه راه بدون رسیدن به یک موضوع یا نتیجه خاصی رها می‌شود.

• در صفحه ۲۶۷، منظور از «فرهنگ سیاسی مردم» در جمله: «وجهه اپوزیونی بنی‌صدر، که در عین حال سمت دولتی داشت و عضو شورای انقلاب بود، با توجه به فرهنگ سیاسی مردم، وی را به شدت مساعدت کرد.» مشخص نیست.

د) مطرح شدن برخی مباحث غیرضروری:

• در صفحات ۷۹ تا ۸۰ مباحثی در خصوص معنای لغوی ثبات سیاسی با بهره‌گیری از متون ادبی و قدیمی فارسی آمده است که به نظر می‌رسد با توجه به محتوای فصل که عمدتاً اشاره به مباحث جامعه‌شناختی است، آوردن این بحث ضرورتی نداشته است.

• مباحث ارائه شده در صفحات ۴۳۴ تا ۴۵۶ با عنوان مروری بر نتایج فصول گذشته، در واقع تکرار مجدد نتایج ارائه شده در پایان هر فصل است که ضرورتی بر تکرار آن، بدین شکل وجود نداشت.

ه) استفاده بیش از حد از یک منبع خاص:

• نویسنده برای پردازش مباحث خود از صفحه ۹۶ تا ۱۰۸ فقط از یک منبع استفاده کرده که بهتر بود به منظور جامعیت مطالب از دیگر منابع مرتبط نیز استفاده می‌شد.

• مجدداً در صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۸ هم فقط از یک منبع استفاده شده است.

و) وجود برخی عبارات نادرست در میان مباحث:

• عبارت «اشتراک سیاسی» که در صفحه ۱۱۲ به آن اشاره شده، در



نقد شکلی:

• در فصول پایانی کتاب، اشتباهاتی در خصوص چگونگی ارجاعات سخنرانی‌ها و اعلام مواضع افراد وجود دارد که خواننده را دچار اشتباه می‌کند. به عنوان مثال نویسنده برای ارجاعات مربوط به سخنرانی‌ها یا مصاحبه‌ها، از آوردن نام شخص در متن خودداری کرده و به جای آن نام فرد مذکور را در زیرنویس و قبل از نام منبع یا روزنامه آورده که این مسأله با دیگر ارجاعات همخوانی ندارد و باعث می‌شود خواننده گمان کند نام‌های آورده شده در واقع نویسندگان مقالات و کتاب‌های زیرنویس هستند. حال اینکه این اسامی نام سخنرانان یا مصاحبه‌شوندگان در جراید هستند که نویسنده نخواست اسامی آنها در متن کتاب آورده شود.

• از دیگر موارد شکلی، نوع ارجاع‌دهی منابع به هنگام تکرار است. به‌گونه‌ای که از دو اصطلاح «همان» و «پیشین» در زیرنویس‌ها استفاده متمایز و مطلوبی نشده است.

• استفاده از کلمات و اصطلاحات غیرمصطلح در ادبیات علوم سیاسی نظیر:

«مفروغ عنه» در صفحات ۴۰ و ۴۵۰؛ «بهبکارکردی» در صفحه ۶۳ که بهتر بود معادل لاتین آن در زیرنویس می‌آمد؛ «وثاقت» در صفحه ۱۴۶؛ «مقفل» در صفحه ۱۷۸؛ «تمانع» در صفحه ۲۲۱؛ «عداد» در صفحه ۲۲۲ و نهایتاً «اعتباطی» در صفحه ۳۰۷.

• اغلاط تایپی کتاب شامل: شروعیت به جای مشروعیت در صفحه ۱۳، دیوید اپتو به جای دیوید اپتر در زیرنویس صفحه ۵۶، انتشارات روزبه به جای روزنه در زیرنویس صفحه ۷۷، کاسلز به جای کاستلز در صفحه ۹۷، شکل تغییر به جای تغییر شکل در صفحه ۱۲۶، عینی نوع به جای نوع عینی در صفحه ۱۳۴، تقیینی به جای تقنینی در صفحه ۱۶۳، پیروزی به جای پیروی در صفحه ۲۲۱، نه توانست به جای نتوانست در صفحه ۳۵۱، مجمع مدرسان و محققان حوزه علمیه قم به جای مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم در صفحه ۳۷۵ و نهایتاً حضر به جای حصر در صفحه ۴۵۹.